



دفاع مقدس

Sacred defense

یکشنبه

۱۹ مهر ۱۴۰۵

شماره ۷۴۳۹



امیرحسین حسینی

چاپ‌چهار آنلاین

هربار محبت از مقاومت و دفاع مقدس می‌شود یک نام به ذهن همگان می‌رسد: خرمشهر.

شهری که با مقاومت ۳۴ روزه‌اش و مقاومت تکاوران دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. با این‌که با فرمانده وقت تکاوران دریایی ارتش، ناخدا اسمدی زیاد مصاحبه شده اما این‌بار ساری کرده‌ایم از زاویه‌ای جدید به این مقاومت نگاه کنیم. ناخدا سمدی، فرمانده گردان تکاوران نیروی دریایی ارتش در دوران دفاع از خرمشهر، می‌گوید با وجود گذشت بیش از چهار دهه از بازنشستگی‌اش هنوز خود را سرباز وطن می‌داند. او که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تسویه حساب کرده بود و حکم بازنشستگی‌اش آمده بود، با یکانش راهی خرمشهر شد و ۳۴ روز بعد از مقاومت شهر، نامش در حافظه جنگ ماند. حالا ناخدا سمدی مهمان تحریریه «چام‌چم» شده تا از فضای آن روزها و آن چه بر ارتش گذشت، بگوید؛ در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

شما در صحبت‌های‌تان بارها به خرمشهر و مقاومت ۳۴ روزه‌اش برمی‌گردید اما معنای مقاومت برای جوان امروز شاید با آن چه نسل شما تجربه کرده، فرق داشته باشد. به نظر شما و امروز باید این مفهوم را چطور بفهمد؟ جنگ هشت‌ساله در شرایطی شروع شد که کشور، به‌ویژه ارتش، وضع خوبی نداشت. مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر یکی از بزرگ‌ترین نبردهای ارتش در آن مقطع بود و این ۳۴ روز را عمدتاً گردان تکاوران و تفنگداران نیروی دریایی رقم زدند. حرف من به جوان امروز این است که باید به یک چیز اعتقاد داشته باشد؛ این وطن من است. امروز ممکن است صمدی بالای سر او باشد و فردا کس دیگری؛ ولی چیزی که تغییر نمی‌کند، وطن است.

بسیاری از مردم، آزادی خرمشهر را یک نبرد پرشور و ایمانی می‌دانند، به نظر شما آن پایداری از کجای می‌آمد؟

از ترکیب سه چیز یعنی آموزش رزمی بسیار بالا، میهن پرستی و اعتقادات. مادر گردان و دانشکده افسری هیچ‌وقت از کسی نمی‌پرسیدیم مذهب چیست یا این‌که نماز می‌خوانی یا

سرباز فقط کسی نیست که لباس پوشیده

حرف من به جوان امروز این است که باید یک چیز را بداند؛ اینجا وطن من است و چیزی که هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند، وطن است

نه. اگر روزه‌داری برای سحری بیدار نمی‌شد، نگهبان بیدارش می‌کرد. یعنی اعتقاد و انضباط کنار هم بود. کسی به باور دیگری کار نداشت، ولی ما یاد گرفته بودیم هم رزمنده‌ای قوی باشیم، هم فرمان‌پذیر.

شما در آغاز جنگ بازنشسته شده و حتی تسویه حساب کرده بودید. چه‌شد که ماندید؟

حکم بازنشستگی‌ام آمده بود و کارهایم تمام شده بود اما رفتم دفتر فرمانده تا دستور بگیرم. پرسید می‌روی یا می‌مانی؟ گفتم قربان، با واحد من می‌روم خرمشهر. چون من سرباز وطنم و برای سرباز وطن، وقتی خاک کشورش مورد تعرض قرار گرفته، بازنشستگی معنا ندارد؛ باید بایستد و دفاع کند. ساعت ۱۲ شب ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ۱۱۲ خودرو که گردان ما را کامل مجهز و بارگیری کرده بودند، از در سایت تکاوران پوشهر به سمت خرمشهر راه افتادند.

در صحبت‌های‌تان گله‌ای هم از سیاست‌پون دارید؛ دقیقاً چه چیزی را از آنها طلب‌کارید؟

من همیشه از سیاست‌پون گله داشتم‌ام، چون از اتفاقات ابتدای انقلاب درس نگرفتند. ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ ارتش با مردم همراه شد و ۲۲ بهمن انقلاب پیروز شد اما بعد از آن عده‌ای را کنار گذاشتند و عده‌ای را متهم کردند. من نمی‌گویم همه آنها بی‌گناه بودند ولی اگر کسی را گناه‌کار می‌دانید، باید دقیق و عادلانه بررسی کنید. نتیجه آن اتفاق‌ها این شد که ما در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با ارتش در وضعیت بسیار دشوار، وارد جنگ شدیم و آنچه ما را نگه داشت، پشتیبانی ملت بود.

تکاوران مأموریت ذاتی‌شان، دریا و مرزهای دریایی است؛ چطور شد که وارد شهر شدند؟

شهربانی به‌تنهایی نمی‌توانست امنیت شهر را برقرار کند. در پوشهر نیروی زمینی نبود و گفتند از تکاوران استفاده شود. تیمسار شیلاتی‌فر، فرمانده منطقه، اول مقاومت کرد. می‌گفت مأموریت تکاور، حفاظت از خلیج فارس، سکوهای نفتی، جزایر و مرزهای دریایی است. در نهایت فشار آوردند و قرار شد تکاورها در کلاتری‌ها به‌عنوان نیروی احتیاط مستقر شده و فقط اگر شهربانی توان مقابله نداشت، وارد عمل شوند.

برش

+

مگر این کشور مردم ندارد؟

سرباز وطن فقط کسی نیست که لباس نظامی پوشیده است. در نیروهای مسلح واحدهایی با وظایف مختلف داریم و هرکس باید کار خودش را بکند. ولی یک نکته مهم است: از جوانی که هیچ امیدی به فردایش ندارد نمی‌شود انتظار داشت راحت بپذیرد برای کشور فداکاری



در همان روزها ما جرابی را تعریف می‌کنید که به کشته شدن یک جوان در پوشهر و متهم‌کردن تکاوران مربوط می‌شود. دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟

۳ آبان ۱۳۵۷ بود. خبر آوردند جوانی به‌نام جمشید کشته شده. تنم لرزید و با خودم گفتم اگر بی‌گوند تکاوران او را کشته‌اند، چه جوابی بدهم؟ دکتر حبیب‌زاده، مسئول بهداری را فرستادم تا جسد را کالبدشکافی کند. پرسنل من گلوله نداشتند. دکتر گفت از شکم این‌فرد گلوله «پ‌پ‌ش» درآورده‌اند. پ‌پ‌ش سلاح شهربانی و سلاح سازمانی تکاوران ۳ بود.

صورتجلسه را در جیبم گذاشتم و به باشگاه افسران رفتم. رئیس شهربانی در حضور دریابان شیلاتی‌فر گفت امروز تکاور یک‌نفر را در شهر کشته‌اند. به‌شدت عصبانی شدم و گفتم تکاور کسی را نکشته است. صورتجلسه را به دریابان دادم و با بی‌ادبی اشاره‌ای به رئیس شهربانی کردم. اعتراف می‌کنم که بعدها از گفتن آن حرف خجالت کشیدم. دریابان خواند، بلند شد، بغلم کرد و بوسید و گفت دستت درد نکند.

بعد از پیروزی انقلاب، در پوشهر وضع چه شد؟ پایگاه‌های نیروی دریایی یا چه شرایطی روبه‌رو بودند؟

تأمین امنیت مردم را در پوشهر، تکاوران برعهده گرفتند. ما در پوشهر هفت پایگاه داشتیم. اسلحه‌خانه‌ها، انبار مهمات، آذوقه و تجهیزات را با نگهبان مسلح محافظت کردم. نتیجه این شد که حتی یک چوب کبریت از هیچ‌کدام از هفت پایگاه بیرون نرفت.

شروع ناامنی خرمشهر را از کجای می‌دانید؟

۲۱ اسفند ۱۳۵۷ در خرمشهر گروهی اعلام موجودیت کرد که خودش را «گروه فرهنگی خلق عرب» می‌نامید. کارشان به‌تدریج از فرهنگی به نظامی تبدیل شد. معتقد بودند خوزستان جزئی از خاک عراق است و باید تخلیه شود. گروگانگیری، سرقت، بمبگذاری و اقدام مسلحانه راه‌انداختند.

سیاه در آن مقطع به‌تنهایی نتوانست مقابله کند. دریادار مدنی، استاندار خوزستان، دستور خلع سلاح داد. آنها نپذیرفتند. بعد ۱۷ نفر، از جمله شهید جهان‌آرا را حدود ۴۸ ساعت گروگان گرفتند. در نهایت دریادار مدنی به ما تکاوران دستور داد. یک عملیات شبانه انجام شد؛ تعدادی کشته شدند، تعدادی دستگیر شدند و تعدادی گریختند. پرونده‌گروه خلق عرب بسته شد و گروگان‌ها آزاد شدند.

کند. اول باید زیرساخت‌های زندگی برایش فراهم باشد، حداقل یک زندگی شرافتمندانه برای خودش و خانواده‌اش. بعد می‌توان گفت بیا و داوطلبانه برای کشور کار کن.

ما با این باور بزرگ شدیم که کشور بیش از هر چیز به استقلال و امنیت نیاز دارد. اگر امنیت نباشد، آسایش هم نیست. فرزند شما نمی‌تواند درس بخواند، دانشگاه نمی‌تواند کارش را بکند و بخش‌های مختلف کشور از کار می‌افتند. امروز هم اگر کارخانه‌ای تعطیل یا از کشور خارج می‌شود، باید برسیم چرا، مگر ما مرده‌ایم؟ مگر این کشور مردم ندارد؟

سرباز فقط کسی نیست که لباس نظامی پوشیده

حرف من به جوان امروز این است که باید یک چیز را بداند؛ اینجا وطن من است و چیزی که هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند، وطن است

بعد از این عملیات، تکاوران چگونه در خرمشهر مستقر شدند؟ خرداد ۱۳۵۸ نخستین دسته ۳۵ نفره را به خرمشهر فرستادم. در مجموع چهار گروه ۳۵ نفره شد. ناوتیپ هشتم در خرمشهر بود و سنگین‌ترین یگان نیروی دریایی در منطقه به‌شمار می‌رفت. آن طرف رودخانه نیروهای عراقی بودند و در بعضی نقاط حتی با چشم غیرمسلح می‌شد مواضع‌شان را دید. من حدود ۴۰ روز در منطقه می‌ماندم و ۱۰ روز به پوشهر برمی‌گشتم و جانشینم، ناخدا اکبریم رستگاری در خرمشهر می‌ماند.

شما می‌گویید نیروی دریایی پیش از جنگ هشدار داده بود؛ این هشدارها بر چه اساسی بود؟

۲۳ شهریور ۱۳۵۸ به ما خبر دادند عراق در حال آماده‌شدن برای یک مانور دریایی است. نکته‌اش این است که عراق در خلیج فارس فقط حدود ۴۰ کیلومتر مرز آبی دارد، در حالی که ساحل ایران ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰ کیلومتر است اما با این‌حال عراق وارد خلیج فارس شد. گزارش را با عبارتی کاملاً نظامی به تهران فرستادیم؛ قرائن نشان می‌دهد دشمن آماده جنگ است و فقط زمان آغازش معلوم نیست.

نیروی دریایی و ارتش هشدارها را می‌پذیرفتند ولی بخش‌های سیاسی نه. می‌گفتند عراق با ما دشمنی ندارد. فروردین ۱۳۵۹ صدام در تلویزیون گفت آماده جنگ با ایران است و قرارداد ۱۹۷۵ را پاره کرد. ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ ستاد ارتش به هر سه نیرو ابلاغ کرد که دستورهای عملیاتی قدیمی کنار گذاشته شود و دستورهای متناسب با تهدید موجود تهیه شود.

نیروی دریایی در هفته‌های آخر پیش از جنگ چه کرد؟ ما ناوتیپی در خرمشهر داشتیم با ۴۷ یگان شناور. ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ همه واحدها را از اسکله خرمشهر بیرون کشیدند و در نقاط تعیین‌شده در خلیج فارس مستقر کردند. ۲ شهریور یکی از ناوها در دریا با دو سوخوی عراقی درگیر شد و هر دو را سرنگون کرد. ۲۶ شهریور بحثنامه شد که جنگ از پوشهر اداره می‌شود، نه از تهران. نام آن ستاد «عملیات نیروی رزمی ۴۲۱» بود.

۲۸ شهریور ۱۳۵۹ نیروی دریایی اطلاعیه جنگی بین‌المللی صادر کرد. شمال خلیج فارس منطقه جنگی شد. عراق در شمال خلیج فارس دو سکوی نفتی داشت با ظرفیت حدود دومیلیون ۸۰۰ هزار بشکه در روز. وقتی این محدوده بسته شد، صادرات نفت عراق عملاً متوقف شد. البته محاصره کامل نبود. عراق از طریق اردن و برخی کشورهای عربی کمک می‌گرفت. ولی مسیر دریایی عراق تا حد زیادی بسته‌شد.



وزارت صنعت، معدن و تجارت

سازمان صنعت، معدن و تجارت

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان جنوبی

اداره کل راه و شهرسازی خراسان جنوبی

فردوس – سرایان (محدوده فردوس – آیسک) به طول ۱۵ کیلومتر

شماره مجوز در سامانه ستاد: ۰۰۵۰۹۱۵۲۴۰۰۰۰۰۵

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی به صورت یکپارچه)

مرحله دوم نوبت دوم

مناقصه گسزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران – منطقه یسزد

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	مهلت در یافت اسناد	مهلت بازگذاری اسناد تا تاریخ	زمان و مکان جلسه توجیهی	مهلت بازگذاری اسناد تا تاریخ	تاریخ بازگشایی پاکات	تاریخ بازگشایی پاکات
تجدید مناقصه تعمیرات سالن غذاخوری و آشپزخانه انبار نفت شهید صدوقی یزد	۴۹,۰۶۵,۴۴۹,۰۷۹	۲,۴۵۳,۲۷۲,۴۵۴	۱۴۰۵/۰۷/۲۵ ساعت ۱۴	۱۴۰۵/۰۸/۰۴ ساعت ۱۴	۱۴۰۵/۰۸/۰۴ ساعت ۱۴	۱۴۰۵/۰۸/۱۰ ساعت ۷	۱۴۰۵/۰۸/۱۰	۱۴۰۵/۰۸/۱۰

متقاضیان می توانند بعد از انتشار آگهی از تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۸ نسبت به دریافت اسناد این مناقصه. از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیك دولت (ستاد) اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل این مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا بازگذاری اسناد و ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه ستاد به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

آدرس مناقصه گسزار: یزد، خیابان کاشانی، جنب پمپ یزنین، شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه یزد، تلفن: ۳۵۲۶۹۹۱-۳۵۲۶۰۳۳-۰۳۵

آدرس محل پیروژه: یسزد، بلوار رسالت، انبار نفت شهید صدوقی یزد

لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی، در سایت مذکور ثبت نام نموده و نسبت به دریافت گواهی امضای دیجیتال جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند. تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار باید به مدت ۳ ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد معتبر و مطابق فرمت موجود در اساد مناقصه (به جز بانک های گردشگری و پاسارگاد) ارائه گردد.

شرایط متقاضیان:

- ۱- اساسنامه شرکت بیمه انکاری باید موید ارتباط رسته کاری بیمه انکار با وظایف محوله باشد.
- ۲- ارائه تصویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت و کارت ملی و شناسنامه مدیرعامل و اعضای هیات مدیره شرکت و تصویر ثبت آگهی شرکت به همراه آخرین تغییرات (توسط مناقصه گر) و رفع ابهام (پرسش سوال) تا قبل از جلسه توجیهی می باشد.
- ۳- داشتن گواهینامه معتبر رتبه (حداقل) پایه ۵ در رشته ساختمان و انبیه و پایه ۵ در رشته تاسیسات و تجهیزات از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی
- ۴- احراز امتیاز قابل قبول بر اساس معیارهای ارزیابی توانمندی HSE
- ۵- احراز امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی (حداقل ۵۰ امتیاز)
- ۶- اولویت در شرایط یکسان با انتخاب بیمه انکاران بومی و استانی و همچنین بکارگیری نیروهای بومی و استانی با اولویت محل سکونت نزدیک تر در شرایط برابر از نظر علمی و تجربی می باشد.
- ۷- کلیه مستندات ارائه شده اصل و با برابر اصل باشد.
- ۸- پیش پرداخت به میزان ۲۵٪ مبلغ بیمان، پس از طی مراحل قانونی و تشریفاتی

تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۸

تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه یسزد

تجدید نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

شماره مناقصه: PSA-TDR-YAD-P-1405-359

نشت گاز پتروسینا آریا

شرکت نفت و گاز پتروسینا آریا در نظر دارد برپون سپاری خرید لوله جریانی بدون درز ۸ اینچ پرپوزه سطح الارض یادآور آن را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای، به یک شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

تجدید نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

شماره مناقصه: PSA-TDR-YAD-P-1405-360

نشت گاز پتروسینا آریا

شرکت نفت و گاز پتروسینا آریا در نظر دارد برپون سپاری خرید لوله جریانی بدون درز ۸ اینچ پرپوزه سطح الارض یادآور آن را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای، به یک شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

تجدید نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

شماره مناقصه: PSA-TDR-YAD-P-1405-360

نشت گاز پتروسینا آریا

شرکت نفت و گاز پتروسینا آریا در نظر دارد برپون سپاری خرید لوله جریانی بدون درز ۸ اینچ پرپوزه سطح الارض یادآور آن را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای، به یک شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

تجدید نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

شماره مناقصه: PSA-TDR-YAD-P-1405-360

نشت گاز پتروسینا آریا

شرکت نفت و گاز پتروسینا آریا در نظر دارد برپون سپاری خرید لوله جریانی بدون درز ۸ اینچ پرپوزه سطح الارض یادآور آن را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای، به یک شرکت واجد شرایط واگذار نماید.